



ملا حسینی همدانی که رئیس مجلس از او نام برد کیست؟

امروز در جلسه مجلس آقای لاریجانی مطایبه ای کرد مبنی بر اینکه: ما را به یاد ملا حسینی همدانی انداختی؟! این نوشتار به بررسی ابعاد شخصیتی این ...

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: امروز در جلسه مجلس آقای لاریجانی مطایبه ای کرد مبنی بر اینکه: ما را به یاد ملا حسینی همدانی انداختی؟! این نوشتار به بررسی ابعاد شخصیتی این عالم برجسته شیعه می پردازد. علامه طهرانی به نقل از علامه طباطبایی بیان می کرد: مرحوم آخوند ملا حسینی همدانی انصافاً خیلی واقعیت عجیبی داشتند، و در حدود سیصد نفر شاگرد تربیت کردند؛ البته شاگرد و شاگرد شاگرد.... چون آقا سید احمد کربلایی طهرانی، و آقای حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی، و آقا حاج شیخ محمد بهاری، و آقا سید محمد سعید حبّوبی.

علامه حسینی طهرانی در کتاب توحید علمی و عینی می نویسد:

در «؛نقباء البشر» ج 2، ص 674 تا ص 678 تحت شماره 1113، ترجمه احوال مرحوم آخوند مولی حسینی همدانی را ذکر نموده است که:

او از اعظم علماء و اکابر فقهاء شیعه و خاتمه علماء اخلاق در عصر خود بوده است؛ او در قریه شوند، در جزین همدان در سنه 1239 هجری قمری متولد شده و مقدمات را در طهران فرا گرفته، و بالاخره در دروس عالی در حوزه درس عالم اکبر شیخ عبد الحسین طهرانی مشهور به شیخ العراقین شرکت نموده است. سپس به سبزوار سفر کرده، و مدت ها در آنجا اقامت گزیده، و از درس فیلسوف معروف حاج ملا هادی سبزواری بهره یافته و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده، و سال های طولانی از درس شیخ مرتضی انصاری استفاده کرده است.

و در قسمت اخلاق و عرفان از آقا سید علی شوشتری استفاده نموده و شاگرد او بوده است. و بعد از فوت استادش متصدی فتوا نشد و دنبال ریاست نرفت بلکه در منزل نشست و طلاب فهیم به او روی آوردند و منزل او محلّ اجتماع زیدگان علم و عمل شد. و شاگردان عجیبی در علم الهی و عرفان تربیت نمود.

شاگرد او سید صدر در «؛تکمله» گوید: او جمال السالکین، و نخبة الفقهاء الربانیین، و عمدة الحکماء و المتألهین، و زبدة المحققین و الاصولیین بود؛ کان من العلماء بالله و بأحكام الله، جالساً علی کرسی الاستقامة، تشرق علیه أنوار الملكوت، تا آنکه گوید: و کان علی منهاج السید جمال الدین ابن طائوس فی القول و العمل حتی فی عدم الإفتاء و عدم التصدی لشیء من أمور الرئاسة الشرعیة، حتی صلوة الجماعة بارزاً.

و أمّا فقه و اصول را از تقریراتی که خودش از بحث علامه انصاری نوشته بود تدریس می کرد. و در منزل نماز جماعت می خواند برای خواصّ از مؤمنین و پیروانی که آنها را تربیت نمود، و از ظلمات جهل به نور معرفت کشانید، و ایشان را با رضایت شرعیّه و مجاهدات عملیّه از هر پستی طاهر و مطهر گردانید، تا آنها از عباد الله الصالحین، و از سالکین در راه خداوند شدند. تا آخر بیانات او.

و شاگردان بسیاری تربیت کرد که هر يك آیتی عظیم از علم و عمل و اخلاق و عرفان الهی بودند از جمله: سید احمد کربلایی، و دامادش سید أبو القاسم اصفهانی، و آقا سید آقا دولت آبادی، و شیخ باقر قاموسی، و شیخ محمد بهاری، و شیخ باقر نجم آبادی، و میرزا جواد آقا تبریزی، و سید محمد سعید حبّوبی، و سید حسن صدر، و سید علی همدانی، و فرزندش: شیخ علی و جمعی دیگر.

کتابی بسیار در تقریرات دروس شیخ و غیر آن از جمله قضاء و شهادات و رهنو غیرها نوشته که در کتابخانه حسینیّه شوشتری ها در نجف اشرف و کتابخانه آقا میرزا حسین نوری موجود است.

و بالاخره در زیارت سید الشهداء در کربلای معلی در 28 شعبان سنه 1311 رحلت نمود. و شاگردش سید محمود طالقانی در قصیده ای بر مرثیه او شعر گفت.

و أمّا استاد او در علم عرفان همانطور که ذکر شد، مرحوم آقا سید علی شوشتری بود که او نیز از اعظم فقهاء و از مبرزین شاگردان شیخ مرتضی انصاری بوده است و پس از فوت شیخ درس او را از همانجا که مانده بود شروع کرد و او را بحر مؤاجی یافتند و لیکن پس از

شش ماه فوت کرد. او شاگرد شیخ در فقه بود و شیخ شاگرد او در اخلاق بود. بدین معنی که این دو نفر هر دو نسبت به همدیگر استاد و شاگرد بودند. و آخوند مولى حسینیلى شاگرد شیخ در فقه و شاگرد آقا سید علی در عرفان بود. و از آن زمان تا امروز علم فقه و علم عرفان چون شیر و شکر به هم آمیخته شده و هر يك از شاگردان این رشته همچون آخوند مولى حسینیلى و آقا حاج سید احمد کربلائی طهرانی و حاج میرزا علی آقای قاضی، و آقای حاج سید محمد حسین علامه طباطبائی هر يك از فقهاء عالیقدر اسلام و از عرفاء منبع المرتبه بوده‌اند. جزاهم الله عنا و عن الإسلام احسن الجزاء.

همچنین علامه طهرانی در کتاب مهر تابان می نویسد: جماعتی، دسته جمعی توطئه نموده بودند، و درباره روش عرفانی و الهی و توحیدی مرحوم آخوند ملا حسینیلى انتقاد کرده، و يك عریضه‌ای به مرحوم آیه الله شربانی نوشته بودند. (در اوقاتی که مرحوم شربانی ریاست مسلمین را داشته، و به عنوان رئیس مطلق وقت شمرده می شده است.) و در آن نوشته بودند که آخوند ملا حسینیلى روش صوفیانه را پیش گرفته است. مرحوم شربانی نامه را مطالعه فرمود، و قلم را برداشت و در زیر نامه نوشت: «کاش خداوند مرا مثل آخوند، صوفی قرار بدهد.

دیگر با این جمله شربانی کار تمام شد؛ و دسیسه های آنان همه بر باد رفت.

ذیلا حکایاتی از مرحوم مولا حسینیلى همدانی ره برگرفته از کتاب مطلع انوار آورده می شود:

آخوند را از ما دزدید

علامه طباطبایی بیان می کند: استاد ما مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی می فرمودند: استاد ما مرحوم حاج سید احمد کربلائی رحمه الله علیه می فرمود: ما پیوسته در خدمت مرحوم آیه الله الحق آخوند ملا حسینیلى همدانی رضوان الله علیه بودیم، و آخوند صد در صد برای ما بود؛ ولی همین که آقا حاج شیخ محمد بهاری با آخوند روابط آشنائی و ارادت را پیدا نمود و دائماً در خدمت او رفت و آمد داشت، آخوند را از ما دزدید.

در احوال مرحوم آخوند ملا حسینیلى همدانی به نقل از نوه آن مرحوم

آقا شیخ محمد همدانی (نوه مرحوم آخوند ملا حسینیلى همدانی - رضوان الله علیه) شرحی راجع به حالات مرحوم آخوند بیان می کند، مین جمله آنکه:

مرحوم استاد ایشان، آقا سید علی شوشتری، زمانی مریض شدند، و در آن هنگام مرحوم آخوند در مدرسه زندگانی می کردند و بسیار از لحاظ معیشت بر ایشان سخت می گذشت و اتفاقاً ایشان هم در مدرسه مریض بودند؛ چون طبیب برای مرحوم آقا سید علی آوردند، قبل از معاینه مرحوم آقا سید علی به طبیب فرمودند: اول برو در مدرسه و آن شیخ طلبه را (مقصود مرحوم آخوند است) معالجه کن! زیرا اگر صد تومان خرج شود برای آنکه ایشان يك ساعت در دنیا بیشتر عمر کنند ارزش دارد.

حکایت کبوتری که به مرحوم ملاحسینیلى همدانی، درس پافشاری داد

و نیز حضرت معظم له [آیه الله شیخ عباس قوچانی] و حضرت آقای حاج سید محمد حسین طباطبائی نقل کردند که:

مرحوم آخوند ملا حسینیلى همدانی - رضوان الله علیه - پس از سال ها که در راه سلوک قدم برداشته بود و به مقصود خود نرسیده بود، روزی بسیار متفکر و اندوهناک در ایوان مقدس حضرت امیرالمؤمنین یا ایوان صحن مطهر کاظمین علیهم السلام نشسته و با خود گفتگو می کرد که چندین سال در رشته فقه و اصول بودیم و او ما را به مقصد نرسانید و چندین سال هم هست که در این رشته وارد شده ایم باز به مقصود خود نرسیده ایم!

ناگاه کبوتری آمده و خواست نان خشکیده [ای] را که در زاویه ایوان افتاده بود بخورد، هرچه کرد نتوانست، آن نان را به دندان گرفته و با آبی که در گوشه صحن بود تر نمود باز نتوانست خرد کند، بالاخره با مرآت عدیده و با کاوش های بسیاری تمامی آن نان را خرد کرده و خورد! از آن عمل نتیجه گرفته و در سلوک پافشاری نمود تا به مقصود رسید.

هبه اموال به راهزنان

من جمله آنکه آقا سید احمد کربلائی نقل کردند که: ما با مرحوم آخوند و سایر شاگردان ایشان به کربلا می رفتیم از نجف اشرف؛ در راه دزدان آمدند و اثاثیه و کتب را که همراه داشتیم بردند. اتفاقاً پس از مدتی بعض از اثاثیه و کتب را آوردند؛ مرحوم آخوند اثاثیه و

کتب خود را قبول نکرد و فقط کتب وقفی را برداشت نمودند و فرمودند:
«هنگامی که اثاثیه و کتب را دزدی کردند من آنها را به آنها هبه نمودم؛ زیرا راضی نشدم کسی به خاطر اموال من به جهنم
برود.»

آیا هنوز موقع توبه نشده است؟

حضرت مستطاب آقای آقا شیخ عباس قوچانی - دامت برکاته - نقل نمودند از مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی - رضوان الله علیه
- که:

روزی از صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عبور می نمودند، در کنار صحن مرد عربی که به شرارت و آدم کشی معروف بود
نشسته بود. ایشان جلو رفتند و فرمودند: آیا هنوز موقع توبه نشده است؟! مرد عرب مطلب را نفهمیده سر بلند نمود و گفت: شیخنا
چه می گوئی؟ ایشان گفتند که: گفتم آیا هنوز موقع توبه نرسیده است؟! یک مرتبه ناگهان مرد عرب صیحه ای زد و به سمت حرم مطهر
دوید، در ایوان مطهر دو مرتبه صیحه ای زد و جان تسلیم نمود.

معرفت نفس طریق عرفانی مرحوم قاضی و اساتید ایشان بوده است

مرحوم قاضی رضوان الله علیه طریقه عرفان، و توحید مرحوم حاج سید احمد [کربلایی] را قبول داشته است؛ و دستورات آن مرحوم را
که طبق رویه و منهج استاد بزرگ آخوند ملا حسینقلی همدانی بوده است، به شاگردان خود می داده است، و راه و روش مستقیم را
معرفت نفس در راه طریق تعبد تام و تمام به شرع انور می دانسته است. و بدین جهت بعضاً هم از او تعبیر به استاد می کرده است.

توصیه های اخلاقی مرحوم آخوند به آقا سید علی ایروانی

از فرمایشات مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی، در مکاتبه ایشان به آقای آقا سید علی ایروانی (ره): **عَلَيْكَ بِقَلَّةِ الْكَلَامِ، وَ قَلَّةِ الطَّعَامِ،
وَ قَلَّةِ الْمَنَامِ، وَ تَبْدِيلِهَا بِذِكْرِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ.**